

آقایان: حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری^۱، دکتر محمدجواد ایروانی^۲، دکتر محمد خوش چهره^۳، دکتر بابک نگاهداری^۴، دکتر مهدی ناظمی^۵ و مهندس سیدمرتضی نبوی^۶ در میزگرد علمی راهبرد یاس با عنوان:

اسلام، نهادها و توسعه

راهبرد یاس

ضمن تشکر از حضور سروران و اساتید بزرگوار، تا کنون موضوعات مختلف مرتبط با توسعه در میزگردهای راهبرد یاس مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به ضرورت‌های موجود و علایق فصلنامه، نیاز بود که به موضوع «اسلام، نهادها و توسعه» نیز پرداخته شود. عناوین زیر می‌تواند سیر بحث را تا حدی معلوم کند:

- تعریف نهاد؛
- دیدگاه غربی در مورد رابطه نهادها و توسعه؛
- دیدگاه اسلامی، ایرانی در رابطه نهادها و توسعه؛
- آسیب‌شناسی نهادها در ارتباط با توسعه.

اصولاً در معنای موسع و مضیق به چه چیزی نهاد اطلاق می‌شود؟ بررسی رابطه متقابل نهادها و توسعه در دیدگاه اسلامی ایرانی و دیدگاه غربی چگونه است؟ نهادهای موجود در ایران و اسلام، چه آسیب‌هایی در ارتباط با توسعه دارند و چه مقدار پیشبرنده توسعه یا مانع و بازدارنده آن هستند؟ به نظر می‌رسد که نهادها برای پشتیبانی توسعه و پیشبرد آن نقش ویژه‌ای داشته باشند. نهادها می‌توانند در جلب مشارکت مردم هم تأثیرگذار باشند. با ذکر این مقدمه مختصر، می‌گردد را با نظرات جناب آقای دکتر ایروانی آغاز می‌کنیم.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۴- عضو هیأت علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۵- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

۶- عضو شورای علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دکتر محمدجواد ایروانی: اگر بخواهیم به چستی نهاد پردازیم، فکر می‌کنم نوعی سازماندهی است که بیشترین انطباق را با محیط ارزشی، باورها و عقاید، مذهب و فرهنگ دارد. نهادسازی، مناسب‌ترین ظرف برای تلاش جمعی الگوی اسلامی- ایرانی است.

در تعریف سنتی سیستم داریم گروهی است که در تعامل با همه هدف یا اهدافی را محقق می‌کند که در تعامل با هم، هدفی را محقق می‌کند. ولی نهاد با توجه به اینکه وجه مختلفی می‌تواند داشته باشد، آن را به عنوان یک فرآیند اینطور تعریف می‌کنیم: نهاد، قرار گرفتن اجزاء به شکل هم‌راستا و هم‌افزای و در تعامل با یکدیگر و در جهت تحقق کارآمد اهداف می‌باشد. ساختارهای بوروکراتیک، سیستم نیستند و انعطاف لازم را در مجموع ندارند. می‌توان گفت نهاد عبارت است از یک نیاز و یک کارکرد، به همراه یک ساختار. تعریف نهاد به عنوان یک فرآیند و یک کارکرد، قرار گرفتن اجزاء به شکل هم‌راستا و هم‌افزای و در تعامل یکدیگر و نیز در تعامل جدی با محیط به ویژه محیط ارزشی، برای رسیدن به هدف است. مسأله اصلی تمام نهادهای تأسیسی یعنی نهادهای ثانویه، بقاء و پایداری با حفظ ویژگی‌های خود است. نهاد برای سیستم‌های اجتماعی یک ضرورت برخاسته از یک نیاز است که هم باید مناسب برای آن جامعه باشد و هم به پایداری آنها کمک کند.

یکی از طبقه‌بندی‌های ارائه شده در مورد نهادها عبارت است از تقسیم نهاد به نهادهای اولیه و نهادهای ثانویه. در نهادهای اولیه می‌توان چهار مورد را برشمرد: ۱- نهاد خانواده ۲- نهاد حکومت ۳- نهاد اقتصاد؛ ۴- نهاد دین. ولی دین اسلام را با توجه به تعریفی که از آن داریم، یک فرانهاد می‌دانم که به همه آن ۳ نهادهای نخستین می‌پردازد و در مورد آنها حرف دارد و شیوه نگرش خاص خودش را دارد و فقط نهاد دین کارکردهای یکسری کاهنان و کشیش‌ها و معابد نیست که به عنوان فاعلین مذهبی تلقی می‌شوند. بعد از فرانهاد دین و این نهادهای اولیه یا طبیعی، به نهادهای ثانویه می‌رسیم که بشر، خودش آن را تأسیس و ایجاد کرده است، ولی نهادهای اولیه از قبل وجود داشته‌اند و ما وقتی متولد می‌شویم با آنها مواجه می‌شویم و بعد از ما هستند. نهادهای ثانویه با توجه به نیازهای انسان ساخته می‌شود، مانند دانشگاه تهران. هر قدر که نهادهای ثانویه متخلق به صفات و ویژگی‌های نهادهای اولیه باشند، پایداری را در خودشان ایجاد کرده و آن را در خود توسعه می‌دهند.

به نظر می‌رسد در تعریف ارائه شده از حضرت‌عالی، تفاوتی میان نهاد و سازمان

نیست.

دکتر ایروانی: چنین تفاوتی مشخص است. تفاوت نهاد و سازمان را از همین جا می‌توان بدست آورد. نهادهای اولیه، ارزشمدار هستند، خاصیت تعمیم‌پذیری دارند، انعطاف‌پذیر هستند، پویا هستند، انحلال‌ناپذیر و واجد ویژگی مردم‌گرائی هستند. هر قدر نهادهای ثانویه متخلق به این صفات شوند، یعنی عنصر پایداری موجود در نهادهای اولیه را در خود ایجاد کرده و یا اگر دارای آن هستند، آن را در خود توسعه دهند؛ نهادی‌تر می‌شوند. وقتی یک سازمان ویژگی‌های مذکور را در خودش نهادینه کرد، تبدیل به یک نهاد می‌شود. یعنی تقریباً چنین تصویری نداریم که دانشگاه تهران منحل شود؛ این نهاد کارکردی دارد که نمی‌توان تصور انحلال را نمود. نهادهای نخستین همه انحلال‌ناپذیر هستند. ممکن است در نهادی مانند نهاد خانواده دستکاری‌هایی شده باشد، ولی پدیده جدیدی است. مثلاً افزایش هم‌جنس‌گرایی می‌تواند نهاد خانواده را به میرایی بکشاند. یا نهادهای دیگری شکل بگیرند که دارای شباهت‌های زیادی به نهادهای اولیه پیدا کنند، مانند نهاد ورزش.

به هر حال صفت انحلال‌ناپذیری، صفتی است که نهادهای ثانویه آن را پیگیری می‌کنند، زیرا سازمان‌ها به دنبال بقا و پایداری هستند. وقتی سازمانی پایدار می‌شود، تبدیل به نهاد شده است. بنابراین در مورد صندوق بین‌المللی پول، مؤسسين این صندوق با نام نهاد از آن یاد می‌کنند، چون آن را امر پایداری می‌دانند ولی مخالفین آن معتقدند این صندوق هر چند از عنوان نهاد استفاده می‌کند، لیکن عمر خود را سپری کرده است و ماهیت سازمان دارد. بنابراین عنوان نهاد عنوان ارزشمند و پرمحتوایی است ولی در بکارگیری عناوین سازمان، مؤسسه و تشکل‌ها غالباً دقت نمی‌شود. نظریه‌های نهادی، نظریه‌ای است که فرآیند نهادی کردن را نشان می‌دهد. مثلاً سلزینیک معتقد است فرآیند نهادی، فرآیندی است که یک سیستم یا سازمان در انطباق با مخالفت‌های درونی و تطبیق خود با محیط بیرونی، فائق بیاید. یعنی بتواند خودش را پایدار کند؛ هم در تعاملات درون سازمان و هم تعاملات با سازمان‌ها و محیط بلاواسطه و یا محیط بیرونی.

مکتب نهادگرایی در طبقه‌بندی تئوری‌های مدیریتی که روان‌شناسی اجتماعی (در سطح فردی)، در سطح ساختاری و در سطح اکولوژیک یا محیطی است. نهادگرایی در تقسیم‌بندی اخیر در

سطح اکولوژیک جای می‌گیرد که جان مایه‌اش تعامل با محیط است (به خصوص با محیط ارزشی جامعه).

تئوری‌های نهادگرایان قدیم، بیشتر در انطباق با محیط حرکت می‌کند. برخی از تئوری‌های نهادگرایان جدید هم بیشتر در اثرگذاری متقابل بر محیط تمرکز کرده‌اند. تصور من این است که سازمان‌دهی نهادی، یک نقطه اهرمی برای وصول به اهداف جمهوری اسلامی ایران است. نقطه اهرمی به این معنی که با کمترین هزینه، بازدهی بیشتری داشته باشیم. به دلیل تعریفی که از نهاد در رابطه با محیط ارزشی داریم، با بررسی محیط ارزشی، به ویژگی‌هایی مانند عدالت‌محوری، استکبارستیزی، ولایت‌مداری، دین‌مداری، مردم‌گرایی، انعطاف‌پذیری و نوآوری دست می‌یابیم. در سازمان‌های بروکراتیک موجود که در چارچوب سلسله‌مراتب و اصالت سود، مورد توجه قرار می‌گیرند و تلاش دارند که در چنین قالب‌هایی به اهداف خود برسند که در این نگاه و با توجه به نظر هیوم، هر چیزی که منفعت را حداکثری می‌کند، اخلاقی است. ولی سؤال ما این است که ساختار و نظام اداری ما بعد از تحقق انقلاب اسلامی و فائق شدن ارزش‌های اسلامی، چه فرقی با دوران طاغوت پیدا کرده است؟ در سازمان‌های سنتی ما به فرض خوب عمل کردن، جبران خدمات بر چه اساسی است؟ بر اساس مدرک است یا تجربه؟ یا براساس عناصری که تصور می‌کنیم با ارزش‌های اسلامی بایستی مورد توجه قرار بگیرند.

متأسفانه ما راه غرب را در بسیاری از این موارد دنبال کرده‌ایم. مثلاً می‌گوئیم ساختارهای دمکراتیک به ژاپن هم رفته است ولی سیستم اداری ژاپن، آن را تغییر داده و سیستم‌هایی (نظام کایزن) را درست کرده‌اند که ضعف سیستم وارداتی را جبران کند.

راهبرد باس
آقای دکتر ایروانی با نگاه مدیریتی به این مسأله پرداختند و ابعاد تعریف نهاد را روشن کردند. در تکمیل نظرات مربوط به تعریف نهاد، منتظر شنیدن نقطه نظر آقای دکتر ناظمی هستیم. بفرمائید.

دکتر مهدی ناظمی: با تشکر از جناب آقای دکتر ایروانی. اولین اثری که در جامعه علمی مدیریتی کشور در مورد نهادها ارائه شد، رساله دکتری آقای دکتر ایروانی بود این اثر هنوز منبع مهمی در بسیاری از تحقیقات علمی کشور در این زمینه است. از این رساله با عنوان «نهادگرایی و

جهادسازندگی» در سال ۷۳ دفاع شد.

بین سازمان و نهاد، تمایز و تفکیک جدی وجود دارد. اگر واژه نهاد را معادل (Institution) بدانیم، در مقابل آن واژه سازمان (Organization) خواهد بود. تفاوت این دو هم در این است که نهاد را یک سیستم طبیعی و باز می‌دانند؛ ولی سازمان‌ها، سیستم‌های مکانیکی و بسته هستند. به این معنی که نهاد، یک واحد زنده است ولی سازمان یک واحد غیر زنده همچون ماشین است که به محیط، عکس‌العمل نشان نمی‌دهد. یک سیستم زنده مانند گیاه، انسان و حیوان نسبت به محیط، عکس‌العمل نشان می‌دهند. اگر بخواهیم سازمان را به نهاد نزدیک کنیم، می‌توان گفت سازمانی که انسانی باشد، نهاد است. بنابراین نهاد، همان سازمان است ولی سازمانی که انسانی باشد. عناصر اصلی سازمان بایستی انسان‌ها باشند تا بتوان آن را نهاد دانست. سؤالی که مطرح می‌شود اینکه آیا ممکن است عنصر اصلی سازمانی، انسان نباشد؟ در سازمانی که وبری و مکانیکی است، انسان‌ها هم گویی ماشین هستند. انسان‌های خوب در چنین سازمانی، کسانی هستند که بتوانند مانند ماشین، خوب کار کنند و مثل ماشین دستورات را اجراء کنند. انسان در چنین نگاهی، به سطح ماشین تقلیل یافته است. ولی در نهاد اینگونه نیست و انسان به ما هو انسان مطرح است. لذا در نهادها انسان‌ها رشد پیدا می‌کنند، و توانایی‌های بالقوه انسان‌ها در نهاد است که بالفعل می‌شود.

آیا انسان متخصص در نگاه وبری، ماشین تلقی می‌شود؟

دکتر ناظمی: انسان متخصص در نگاه وبری، ماشین است. با این نگاه، نهادها همان سیستم‌هایی هستند که انسان در آن حیات بالنده می‌تواند داشته باشد. از خانواده به عنوان یکی از نهادهای اولیه یاد شد. خانواده به یک معنی یک سازمان انسانی و یک نهاد است. انسان‌ها نیاز دارند که در چنین نهادی زندگی کنند. ویژگی‌هایی برای نهادها ذکر شد، می‌توان خانواده را مصداق کاملی در نظر گرفت و آن ویژگی‌ها را در خانواده احصاء کرد.

اگر توسعه را بر دو نوع درونزا و برونزا در نظر بگیریم، نهادها با توسعه درونزا سازگار هستند. سازمان‌ها هستند که می‌توانند با توسعه برونزا سازگار باشند. توسعه درونزا، توسعه‌ای است که با بوم و فرهنگ و شرایط و مقتضیات یک کشور یا یک سازمان انطباق داشته باشد. عمده

بحث‌هایی که در حوزه یک نهادی مطرح است، مباحث توسعه درونزا است. مثال‌های بسیار مناسبی در این حوزه وجود دارد. این مثال‌ها را در کتاب «مدیریت توسعه» تألیف دکتر محمدزاده می‌توان دید. او در این کتاب، توسعه را در کشورهای همگون با ایران مثال زده است که هر یک از این کشورها در حوزه‌های مختلف چگونه بر اساس توسعه درونزا عمل کرده و نهادها، نقش اصلی را در این روند داشته‌اند.

توجه به تطوری که در حوزه مدیریت و تئوری‌های مدیریت در مورد نهاد بوده نیز می‌تواند مفید باشد. در مدیریت غرب هم تغییراتی در این حوزه در حال انجام است و آنها هم به سمت نهادسازی و نهادگرایی پیش می‌روند. سه دوره عمده مدیریت را می‌توان ذکر کرد: ۱- دوره کهن: در این دوره نظام‌های قبیلگی و پادشاهی حاکم بوده و مدیر، قانونگذار هم هست و اختیارات، کاملاً شخصی است. نادرستی این دوره مدیریت کهن را با عبارت «دوره مدیریت چپاول» بیان می‌کنند. کسی که حاکم می‌شود، خود را مالک هم می‌داند. لذا در مقابل آن، مدیریت سنتی و کلاسیک یا مدیریت وبری مطرح می‌شود. در نگاه مدیریت وبری، تمام اختیارات مدیر از او گرفته می‌شود و در جایی دیگر برای او تصمیم‌گیری می‌شود تا او اجراء کند. سیاست و مدیریت را از هم جدا می‌کنند. باید مجلسی درست کرد که در آنجا قانون تصویب شود و وزیر و مدیر هم ملزم به اجرای آن باشند. به این ترتیب، مدیریت غیرشخصی خواهد بود. در این چنین مدیریتی، مسئولیت‌ها توزیع می‌شود و نمی‌توان به خوبی به اهداف رسید و نوعی عقلانیت ابزاری بر آن حاکم می‌شود. سازمان‌ها مکانیکی شده و نهادها کم‌کم زائل و در حاشیه قرار می‌گیرند. توسعه برونزا ما را به این سمت می‌برد. الگوی توسعه برونزا معتقد است که در توسعه‌ای که در غرب باید بر همان روش حرکت کنیم تا فرهنگ و محیط بومی بر آن توسعه، تأثیری نداشته باشد. ولی امروزه در حال برگشتن به همان نظریه قبلی (شخصی شدن تصمیمات) هستند که نقش انسان را در توسعه زیاد کنند. در نظریه وبر، نقش انسان در سازمان کم می‌شود. بهترین سازمان در نظر وبر سازمانی است که در آن انسان‌ها هیچ اختیاری نداشته باشند. تصمیمات در جای دیگری اتخاذ گردد و انسان‌های سازمان صرفاً مجریان خوبی باشند.

نهادها، سازمان‌هایی هستند که انسان‌ها در آنها دارای خلاقیت، نوآوری و نشاط بوده و تأثیرگذارند. برای این منظور، سازمان‌های بزرگ در حال تبدیل شدن به سازمان‌های کوچک

هستند. این سازمان‌های کوچک هم بایستی کاملاً متناسب با شرایط و مقتضیات محیط باشند. در دوره اخیر، سازمان‌های بزرگ و بوروکراتیک، مورد نقد جدی قرار می‌گیرند. معتقدند این دوره را باید دوره پایان بوروکراسی دانست.

این نکته مهمی است که می‌توانیم بر آن تکیه کنیم و بر بستر فرهنگ غنی و نهادهای قوی خود، توسعه را جلو ببریم. توجه داشته باشیم که پیروزی انقلاب اسلامی، بدون آنکه مقدمات لازم فراهم باشد، نهادهایی را آفرید که به سرعت ریشه دواند. نمونه آن جهاد سازندگی است، یا بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای اصیل دینی که علی‌رغم محدودیت‌های جدی و سایه سنگین سازمان‌های کلاسیک، توانستند به حیات خودشان ادامه بدهند. البته نهادهایی چون مسجد، نهاد وقف، نهاد حج و ... هنوز به جایگاه اصلی خود در توسعه دست نیافته‌اند. اصلی‌ترین نهاد خانواده است. علیرغم تمام حجم‌هایی که علیه نهاد خانواده وجود دارد، هنوز هم نهاد خانواده در فرهنگ ما، نهادی اصیل و پایدار است.

نهادهای چه ویژگی‌هایی دارند؟ پاسخگویی به شرایط و مقتضیات، اولین ویژگی یک نهاد است. یک نهاد بایستی با توجه به شرایط و مقتضیات مختلف موجود و از جمله فرهنگ، ساخته شود و هم باید به محیط خودش پاسخ بدهد. در موضوع مهندسی فرهنگی، نهادها همان سازمان‌هایی هستند که مهندسی فرهنگی شده‌اند؛ یعنی براساس فرهنگ و ارزش‌هایی سازماندهی شده‌اند و بعد هم همان فرهنگ و ارزش‌ها را باز تولید می‌کنند. جهاد سازندگی براساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی طراحی شد و اگر چه کار سازندگی می‌کند، ولی همان فرهنگ و ارزش‌ها را باز تولید می‌کند. سازمان بسیج مستضعفین، براساس فرهنگ اسلامی- انقلابی طراحی و مهندسی شد. اگرچه در آن کار نظامی و دفاعی صورت می‌گرفت ولی این کارکرد نظامی و دفاعی در عمل، همان فرهنگ و ارزش‌ها را باز تولید می‌کند. به عبارت دیگر، نهادی را در نظر می‌گیریم، قبل از آنکه یک سازمان فنی و تخصصی مطرح باشد، یک سازمان با هویت فرهنگی جلوه می‌کند. بنابراین اصولاً بر اینگونه سازمان‌ها یا نهادها، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی حاکم است.

در سازمان انسانی یا نهادها، همیشه زیرسیستم محوری، فرهنگ و ارزش‌ها است. در صورتی که در سازمان‌های کلاسیک، زیرسیستم‌های دیگری جای زیرسیستم فرهنگ و ارزش‌ها را خواهند گرفت. هر سازمان متناسب با اینکه کدام زیرسیستم محور باشد، نوع مهندسی و مدیریت آن شکل می‌گیرد.

با تشکر از جناب آقای دکتر ناظمی. جناب آقای مهندس نبوی حضرتعالی چه تحلیلی در مورد نظرات ارائه شده دارید؟

مهندس سیدمرتضی نبوی: با توجه به توضیح دوستان می توان گفت نهادها ساخت‌هایی هستند که از دل نیازها و فرهنگ جامعه حاصل می‌شود و چون از دل فرهنگ برمی‌آیند، فرهنگ را هم بازتولید می‌کنند و مشخصه نهادها، پایدار بودن و عدم انحلال آنها است. نهادها، نهادینه و مستقر می‌شوند و به تعبیر دیگر، طبیعی می‌نمایند. پایداری نهادها به گونه‌ای است که جذب محیط می‌شوند و کارکردهای ثابتی پیدا می‌کنند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. حال سؤال این است که آیا نهاد به چنین ساختارها یا سازمان‌هایی که چنین ویژگی را دارند، اطلاق می‌شوند یا به برخی از مواردی که جنبه قاعده دارند، مثل قواعد نانوشته یا جنبه‌های هنجاری و ارزشی دارند؟ مثلاً فرض بفرمائید تحزب ممکن است همیشه ساختار نداشته باشد ولی خود فرهنگ اینکه کار جمعی انجام شود و ارزش بودن کار مشترک و جمعی، یا سنتی مانند وقف که یک قاعده است و می‌تواند ساختار بیرونی داشته باشد یا خیر، ولی خود وقف به عنوان یک قاعده پذیرفته شده، یک نهاد است. آیا در تعریف نهاد؛ چنین مواردی را هم می‌توان نوعی از نهاد دانست؟ چون حالت طبیعی و پذیرفته شده پیدا کرده و تبدیل به ارزش و هنجار شده‌اند؟ آیا لازم است چنین مواردی دارای ساختار و وجود انضمامی هم باشند تا به عنوان نهاد پذیرفته شوند یا خیر؟

دکتر ایروانی: من پیچیدگی‌ها و تعاریف و مفاهیم مختلف نهاد و نهاد را در کتاب درآمدی بر نظریه نهادی طبقه‌بندی نمودم. این تعاریف و برداشت‌ها در جدولی ذکر شده است؛ تعریف و مفهوم آن و اینکه هنجاری و یا آگاهانه، تأسیسی است در ماتریسی ذکر شده است. نهاد به معنای فطرت و سرشت است، و نهاد انواع مختلفی دارد که یکی از آنها شامل همین موارد است که اگر چه در بیرون دارای سازمان نباشند، ولی جزء موارد نهاد است. قاعده و مقررات و حتی آیین‌ها مثل عاشورا، یا جشن برداشت محصول یا نوروز، یک سلسله از نهادی تأسیسی هستند که خودمان آنها را درست می‌کنیم.

مهندس نبوی: البته نهادهایی که در نتیجه مواردی مانند وقف هستند، با قوانین مصوب مجالس متفاوتند.

دکتر ایروانی: بله. حتی ممکن است قانونی نانوشته باشد ولی مورد تأیید همه یا اکثریت مطلق جامعه بشری باشد. مثلاً زنا با محارم در کلیه ادیان منع شده است و در جوامع مختلف به چنین قانونی احترام گذاشته می‌شود؛ اگرچه فرهنگ غرب برای مقابله با نهاد خانواده ممکن است چنین قانونی را هم برتابد ولی این قانون عمومیت دارد، هرچند در جایی هم نوشته نشده باشد. در این اواخر تلاش می‌شود به نوعی «دستکاری» در نهاد خانواده انجام شود که برنامه آگاهانه نظام سلطه است که دستکاری می‌کند. نهاد خانواده که مستحکم‌ترین نهاد موجود است را دچار فشارهایی کرده است که این فشارها، طبیعی نیست. یعنی محیط، چنین فشارهایی را وارد نمی‌کند، بلکه یک گروه خاص یا سیستم سرمایه‌داری و سلطه، چنین فشارهایی را تحمیل کرده و سعی می‌کند با دستکاری و تخریب فرهنگی و با ابزارهای رسانه‌ای، تغییر سلیقه و رفتار بوجود بیاورد و برای آن تقاضا ایجاد کند و آن را تقاضایی محیطی و طبیعی جلوه دهد. دستکاری دیگری هم در محدوده مقررات رسمی در سطح دنیای غرب و جهانی هم در حال شکل گرفتن است که بسیار عجیب است. مثلاً اگر چه برهم زدن نهاد خانواده به سادگی در جوامع جا نمی‌افتد، ولی در برخی ایالات آمریکا و برخی از کشورهای اروپائی، ازدواج همجنس‌ها میسر است و برای آن قوانین و مقررات وضع می‌کنند، ولی در سطح دنیا چنین مطلبی جا نمی‌افتد. در سازمان ملل نهاد خانواده را، زندگی یک انسان با یک موجود زنده دیگر تعریف می‌کنند. البته منظور پنهان آنان این است که این موجود زنده دیگر می‌تواند یک حیوان یا یک همجنس باشد و با چنین تعریفی از خانواده، از تشکیل خانواده هم در مجامع بین‌المللی دفاع می‌کنند و در قالب چنین تعریفی، به اهداف قانونی کردن همجنس‌بازی هم می‌رسند. این کارها، دستکاری‌های آگاهانه و تحمیلی است که بر جامعه جهانی تحمیل می‌شود.

رابطه نهاد و سنت چگونه است؟

دکتر ایروانی: در خود نهادها، سنت هم نهفته است. وقتی به یکی از تعاریف نهاد یعنی آئین اشاره می‌شود، سنت‌ها را هم در بر می‌گیرد. اگر تأثیر و تأثر نهادها و سنت را در نظر داشته باشیم، یک نهاد برخاسته از مردم و برای مردم و در نگاه اسلامی قید «برای رضایت خدا» هم

اضافه می‌شود. وقتی نهاد ثانویه‌ای تأسیس می‌شود، در واقع با سنت‌ها مبارزه نمی‌کند اما زنگارزدایی در سنت‌ها و آئین‌ها و رسوم تحریف شده می‌نماید.

مثلاً یکی از سنت‌هایی که برخی از اقوام یکی از مناطق کشور داشتند این بود که مردان نباید در انجام کارهای مختص زنان مانند بردن کیسه‌های سنگین آرد و ... به آنها کمک کنند. ولی وقتی جهادگران جهادسازندگی کیسه‌های آرد و برنج را با زحمت و برای استفاده این افراد به مناطق صعب‌العبور سکونت آنها می‌برند، مردان آن مناطق که ابتدا آنها را عیب می‌دانستند، این سنت را کنار گذاشته و خودشان به جای زنانشان این وظیفه را به عهده می‌گرفتند.

یک سلسله از باورهای چنین افرادی تغییر کرد و با نهادی مانند جهاد سازندگی، نوعی زنگارزدایی از آن سنت‌ها ایجاد شد. کارکرد دیگر نهاد به نظر من، باز تولید فرهنگ و ارزش‌ها است. بازسازی هویت اجتماعی از کارکردهای جهادسازندگی در کشور است. مثلاً روستایی‌ها در انتخابات‌های مختلف، جنب و جوش و تحرک بیشتری نسبت به ساکنین شهرها دارند، در حالی که قبل از انقلاب نسبت به انتخابات خیلی بی‌اعتنا بودند. میزان مشارکت سیاسی روستاها در انتخابات، چیزی بوده است که همواره باعث تعجب مدیران مراکز بین‌المللی (مانند فائو) بوده است که سال‌ها دنبال حل مشکل «مشارکت مردمی» در عرصه‌های روستائی در جهان بودند.

مهندس نبوی: به نظر می‌رسد سنت‌ها هم در اینجا شکل فرهنگی دارند و پایدار هستند و ناظر به رفتارها هستند. مثلاً سیزده بدر و اعیاد، جزء سنت‌ها به حساب می‌آیند. ولی وقتی که چیزی تبدیل به نهاد می‌شود، باید یک ساختمندی و قاعده‌ای داشته باشد که جنس آن متفاوت است. همان‌طور که سنت‌ها تغییر پیدا می‌کنند ولی از بین نمی‌روند، نهادها هم تقریباً همین خاصیت را دارند.

جناب آقای دکتر علی اکبری، حضرت‌تعالی چه ویژگی‌هایی را برای نهاد در نظر دارید؟

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین خصوصیت نهاد این است که در بطن ارزش‌های محیطی و با هدف تأثیرگذاری ارزشی شکل

می‌گیرد که چنین امری به پایداری نهاد کمک می‌کند. در تعریف نهاد، با توجه به ویژگی‌هایی که اخذ شده است، نکته محوری را می‌توان تأثیر و تأثر ارزشی دانست که برای رسیدن به یک تعریف واحد، کمک بسزایی خواهد داشت. ذکر این نکته در مورد نهاد و رویکرد نهادی لازم است که نهاد به جنبه اجتماعی زندگی بشر بر می‌گردد، نه جنبه انفرادی.

یک نگاه تاریخی به زندگی بشر نشان می‌دهد که ابعاد و عرصه‌های مختلف جنبه اجتماعی حیات بشری، اقتضاء نهادهایی را داشته است. مثلاً جنبه سیاسی و حقوقی؛ نهاد حکومت را، عرصه فرهنگ و ارزش‌ها، نهادهای معابد و مساجد را، عرصه اجتماع؛ نهاد خانواده را، عرصه دفاع و امنیت؛ نهادهای سپاه و لشکر را اقتضاء کرده است. عرصه‌های علم و دانش، مدارس و دانشگاه‌ها را، عرصه اقتصاد و معیشت؛ نهاد اقتصاد را.

بنابراین وجود بستر اجتماعی بصورت منطبق و هماهنگ با طبیعت حیات اجتماعی بشر، شرط شکل‌گیری و ماندگاری نهادهاست.

دکتر خوش‌چهره: شاید نهاد اقتصاد را بتوان همان بانک‌ها و صرافی‌ها دانست.

دکتر ایروانی: یک سلسله از دانشمندان هستند که چنین تفکیکی را قائل شده‌اند (مک کلان و همکاران)؛ جمع‌بندی آنها بدین ترتیب است که فرض بفرمائید بانک ملی ایران یک مؤسسه است ولی سیستم اعتباری، یک نهاد است. ولی بانک یک مؤسسه است یا اینکه نظام تعلیم و تربیت یک نهاد است؛ اما وقتی از دبیرستان فردوسی نام می‌بریم یک ساخت به ذهن متبادر می‌شود توجه فرمائید وقتی به نظام تعلیم و تربیت اشاره می‌شود، به کارکردها و سیستم و فرآیندهای خاص آن توجه شده است. ولی وقتی به دبیرستان نگاه می‌کنیم، جنبه ساختی را در نظر می‌گیریم. به نظر اینجانب در مجموع نهاد برخاسته از یک نیاز بعلاوه یک سلسله روابط و کارکرد خاص پررنگ است که البته واجد وجه ساختاری هم می‌باشد و این تعریف کاملی است.

راهبرد ولی نیازها را باید نیازهای اجتماعی دانست؛ یعنی نیازهایی که منتهی به نهاد می‌شود، فردی نیست.

دکتر خوش‌چهره: روستو که قصد داشت این سیر تحول را تبدیل به یک مدل کند، در مقابل مارکسیست‌ها به ۵ مرحله اشاره داشت. جامعه سنتی، که بعد چگونه جهش کرد و یک پیش شرط داشت که در آن توجه ویژه‌ای به نهاد داشت. در پیش شرطها، نهادهای جدیدی که مبتنی

بر نیازها است بایستی شکل بگیرد. مخصوصاً نهادهای پولی و جریان صرافی‌ها و بعد بانک‌ها، بانک‌ها یک جریان پویا در جریان پولی بود که بتواند این چرخش و حرکت را پوشش دهد. برای اینکه بتوان باور و اعتماد لازم را در مورد پویایی این نظام ایجاد کرد، بیمه لازم بود. در این نگاه این موارد در ابتدا نهاد تلقی می‌شوند. بانک در آینده ممکن بود با کارکردهای دیگری، تغییری داشته باشد ولی بانک در ابتدا به عنوان یک نهاد تلقی می‌شد.

راهبردی باس
جناب آقای دکتر نگاهداری؛ حضرت‌عالی چه نظری در مورد بحث حاضر و نگاه‌های دوستان در این مورد دارید؟ بفرمائید.

دکتر بابک نگاهداری: به نظر من ابهامی وجود دارد که در نکات و مفاهیمی که دوستان فرمودند، مشهود است. آقای دکتر علی‌اکبری، تأثیر و تأثر فرهنگی را وجه تمایز نهاد با سازمان می‌دانند. آقای دکتر ناظمی مطرح می‌کنند که در سازمان هم بحث‌های فرهنگی و ارزشی مطرح است ولی در سلسله‌مراتبش، تفاوت وجود دارد. در نهاد بحث‌های فرهنگی و ارزشی از سلسله‌مراتب بالاتری برخوردار است، ولی در سازمان این سلسله‌مراتب پایین‌تر است. آقای دکتر ایروانی مثال می‌زنند که نظام پولی اعتباری را نهاد دانسته و بانک ملی ایران را سازمان می‌دانند. در حالی که اگر وجه تمایز ما براساس تعریف آقای دکتر ناظمی این باشد که سلسله‌مراتب فرهنگ در تعیین سازمان و نهاد، تأثیرگذار است، چگونه می‌توان این مطلب را در نظر گرفت که در نظام پولی و اعتباری، جایگاه فرهنگ و مسائل ارزشی مهمتر از سایر موارد است.

از طرف دیگر احساس می‌شود که شاید مدل نیاز، تعامل با محیط، مدل کاملی نباشد و نیاز داریم که اجزاء دیگری را هم در این مدل وارد کنیم. در پیشینه تاریخی ما در انقلاب اسلامی، آرمان‌ها و ارزش‌های مختلفی مطرح می‌شود، ولی تأخیر نهادسازی وجود دارد. ارزش‌ها و شعارها مطرح شده‌اند، ولی نهادهای متناسب با آن به قدر کفایت ایجاد نشده‌اند. اگر براساس این مدل باشد که محیط، بازتولید ارزش‌های دینی، مذهبی و انقلابی داشته باشد و تأثیر این محیط باعث شود که نهادهای مرتبط با آن ایجاد شود، قاعدتاً طبق این مدل ما نباید این مقدار تأخیر در نهادسازی بعد از انقلاب اسلامی داشته باشیم. حتی تأثیری که سازمان‌های موجود ما در آن موقع بایستی از

فضای ارزشی می‌گرفتند، چرا نگرفتند؟ یکسری بوروکراسی‌ها که از قبل بوده، همچنان در سازمان‌ها هست، و باز تولید نظام قبل همچنان ادامه دارد. ما در ایجاد نهادهایی مانند نهاد دفاع مقدس، موفق بوده‌ایم ولی این مدل به طور کامل نمی‌تواند پاسخگوی شکل‌گیری نهادها باشد.

مهندس نبوی: یک مشکل هم این بوده که سازمان‌های جدید، برخی از نهادهای اصیل انقلاب را از عرصه خارج کرده‌اند.

دکتر ایروانی: نگاه سیاسی به نهادهایی مانند جهادسازندگی در تضعیف آنها بسیار مؤثر بوده است. در تعریف من از نهاد سه عنصر نیاز، ساخت و کارکرد بسیاری تأثیرگذار هستند. موردی که در مورد سازمان دانستن بانک ملی مورد اشاره قرار گرفت، نظر دیگران بود. تعریف نهاد که به آن اشاره شد، تعارضی با فرمایشات دوستان ندارد. صندوق پس‌انداز ملی، از قبل از انقلاب و در شرایط فرهنگی زمان طاغوت جزواتی ارائه می‌کرد که مطالبی در مورد ائمه(ع) و بزرگان دین در تبلیغاتشان به چشم می‌خورد. امروزه هم که تبلیغ می‌کند، خود را «بزرگترین بانک جهان اسلام» معرفی می‌کند؛ یعنی در تعریف، خودش را از بسیاری از دیگر سازمان‌ها متمایز می‌کند.

مفهوم ولایت‌مداری چیست؟ برای این موارد می‌توان معرف‌هایی را در نظر گرفت. یعنی کسانی که با فرمان امام(ره) یا با فرمان مقام معظم رهبری به کاری اهتمام ورزیده‌اند، از دیگر افراد متمایز می‌شوند. نهاد مرکب است از مجموعه‌ای از افرادی که با اهداف بلندپروازانه و متعهدانه، در جهت آن اهداف حرکت می‌کنند. مانند سپاه که افرادی که داعیه دفاع از نظام و کشور و تبعیت از امام(ره) را داشتند، این نهاد را شکل دادند. به همین دلیل نوع افرادی که وارد چنین مجموعه‌ای می‌شوند، افراد متشروع هستند.

یک نهاد اگر بخواهد در حوزه مردم‌گرایی خصلت نهادی داشته باشد، باید در طبیعت مردم‌نہفتگی داشته و با مردم عجین باشد. وقتی حضرت امام(ره) برای فعالیت‌های جهادی فراخوان دادند، آیا فقط مردم چند شهر به خصوص قبول کردند که به مناطق محروم‌تر بروند یا خیر؟ از کل شهرهای کشور افرادی داوطلب شدند؟ ساخت نهادهایی مانند جهادسازندگی و سپاه پاسداران عموماً از مردم بومی همان منطقه بوده و رمز موفقیت آنها نیز، همین بوده است. در حالی که یک سازمان برای تکمیل نیروی انسانی مورد نیازش در روزنامه‌ها اطلاعیه چاپ می‌کند و شرایطی را برای جذب اعلام می‌کند.

در مورد مردم‌گرا بودن نیروهایی که نهادهایی مانند جهادسازندگی را شکل دادند، جهاد کردستان هم نیروهای بومی داشت و هم نیروهایی که از شهرهای دیگر آمده بودند. این مطلب

باعث می‌شود که بتوان گفت خصلت این معرف از دیگر معرف‌ها بیشتر شده است. به علاوه، طرح‌هایی که مطرح می‌شد، بومی بود و با محیط آن مناطق سازگار بود و نوآوری‌های لازمه با طرح همراه بود. مطلب سوم اینکه به دلیل اهداف فرهنگی اجتماعی و دینی، طرح‌هایی را انتخاب می‌کردند که با توده مردم، ارتباط برقرار می‌کرد برای مردم زیادی بهره‌مندی ایجاد می‌کرد. یعنی این طور نبود که اجرای یک طرح، باعث بهره‌مندی افراد محدود آن هم از افراد بی‌نیاز در شهرها باشد. این جریان مردم‌گرایی، منجر به مدل مناسبی شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی اکبری: اجازه دهید در همین جا به ضرورت بررسی و مطالعه چند محور و یا موضوعاتی که در تکمیل این بحث کمک می‌کند، اشاره کنم. یک محور از بحث بایستی طرح مبانی و رویکردهای نهاد و نهادگرایی باشد. در این محور لازم است مفهوم‌شناسی جامعی از نهاد و نهادگرایی شامل تعریف، ماهیت، کارکردها، ویژگی‌ها و چرایی و چگونگی آن و همچنین مبانی و اصول نهادگرایی همراه با یک بررسی مقایسه‌ای بین اسلام و غرب و همین‌طور مقایسه‌ای بین نهاد و سازمان و بازشناسی تمایزات و مشترکات آن دو داشته باشیم.

در محور دیگر، نهاد و نهادگرایی را در انقلاب اسلامی به بحث بگذاریم. تجربه انقلاب اسلامی بسیار مهم است. بررسی تجربه سه دهه گذشته، سیر تحول و تکوین نهادها و نهادگرایی و مبانی و اصول آن در انقلاب اسلامی و ویژگی‌ها و الگوی خاص نهادگرایی در انقلاب اسلامی نیاز به بررسی جداگانه دارد. دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بسیار ارزشمند و راهگشا، بلکه مشتمل بر نوآوری‌هایی در این زمینه می‌باشد.

پس از آن نگاهی به جایگاه نهاد و نهادگرایی در قانون اساسی و سیاست‌های کلی و در نظام ارزشی خودمان داشته باشیم و بدنبال آن، آینده موضوع و آسیب‌شناسی و ارزیابی از روند نهادگرایی در کشور و بررسی نقش نهادها در توسعه را به گفتگو بنشینیم. با اذعان به اینکه بحث‌های سنگینی است، ولی پرداختن به آن‌ها را لازم می‌دانم.

دکتر نگاهداری: با تعریف جناب آقای دکتر ایروانی نهاد مشکل از عناصر نیاز، ساخت و کارکرد است. شاید نیاز باشد که رکن «ارزش» یا «فرهنگ» را هم به این سه مورد اضافه کنیم، چرا که هر نهاد در درون خودش ارزشی را مستقر دارد. بدین ترتیب می‌توانیم با توجه به تعریف آقای دکتر ناظمی و میزان افزایش عنصر فرهنگ، بگوئیم ارزش نهادی هم بیشتر شده است.

دکتر ایروانی: ما فرهنگ را در ارزش‌ها نهفته می‌دانیم. مسائل فرهنگی در نهاد، عارضی نیست بلکه جوهر آن است.

راجهد یاس نظر آقای دکتر نگاهداری هم همین است که جوش فرهنگ هم از نیازهای جامعه است و البته نیازی نیست که با دستکاری نیازها درست شده باشد. نیاز، برخاسته از فرهنگ و بوم آن جامعه است و پاسخ به یک نیاز اجتماعی است که تبدیل به یک ساخت می‌شود و در طول زمان کارکرد خاصی پیدا می‌کند و این فرهنگ را هم باز تولید می‌کند.

دکتر نگاهداری: یعنی اگر فرهنگ را در محیط در نظر بگیرید، نهادی مانند جهادسازندگی وقتی در شهرستانی حضور پیدا می‌کند و در درون خودش عنصر فرهنگ را نداشته باشد، قاعدتاً باید فرهنگ آن شهرستان و آن بوم بر این نهاد تأثیر بگذارد. این نهاد حتماً فرهنگی در درون خودش دارد که می‌تواند بر فرهنگ آن شهرستان تأثیر بگذارد.

دکتر ایروانی: نهاد، فرهنگ خودش را از محیط می‌گیرد بخاطر اینکه ساختار نیروهایش از مردم است اعضا آن نیز منعکس کننده فرهنگ محیطی هستند.

دکتر نگاهداری: اگر اینطور باشد، باید بگوئیم نهاد کارکردش را هم از اعضایش می‌گیرد.

راجهد یاس این موارد قابل جمع هستند. فرهنگ جریانی است که در همه جا جریان دارد و بیرونی نیست.

دکتر نگاهداری: پس در درون نهاد هم عنصر فرهنگ هست و باید به ۳ عنصر نیاز، ساخت و کارکرد، عنصر فرهنگ را هم اضافه کنیم.

دکتر ناظمی: در این مباحث بایستی تعریف نهاد، روشن و کامل باشد تعاریف مختلفی از نهاد ارائه شده است. قاعدتاً بحث ما باید در حوزه مدیریت باشد. تعریف و مفهومی که از نهاد ارائه می‌کنیم باید به گونه‌ای باشد که مصداق آن جهاد سازندگی، بسیج، کمیته امداد و نظایر آن شود. در ادامه نظریه وبری سازمان، دو نفر از شاگردان وبر بخصوص سلزنیک، نظریات وی را

نقد نموده و نهادی را در حوزه مدیریت مطرح می‌کند. در مقابل سازمان، پدیده دیگری به نام نهاد را ارائه کرده‌اند. انتقادی که مطرح کرده‌اند این است که وقتی سازمان کاملاً سلسله‌مراتبی می‌شود، و در آن اختیارات کاملاً توزیع می‌گردد، با کاهش نقش انسان‌ها، باعث می‌شود که جا به جایی هدف صورت بگیرد. وقتی افراد در چنین سازمانی قرار می‌گیرند، هدفی برای خود دارند که با هدف سازمان منطبق نیست و سازمان هدف دیگری را دنبال می‌کند. در چنین سیستمی، نظارت‌ها هم غیرشخصی می‌شود یعنی فرد دیگر ناظر خودش نیست و دیگران بایستی بر او نظارت کنند. با طرح چنین اشکالاتی است که کم‌کم نظریه نهادی مطرح می‌شود و سازمان را بیشتر به سمت نهاد شدن سوق می‌دهند.

اگر چه سازمان و نهاد دارای ویژگی‌های متمایزی هستند ولی معمولاً هر نهادی تا حدی سازمان است و هر سازمانی هم تا حدی نهاد است. سازمان انتزاعی که در ذهن و بر است، هیچ‌گاه در عالم خارج محقق نمی‌شود. چون انسانی که در سازمان و بری مطرح است، نمی‌تواند خودش را از ویژگی‌های انسانی تهی کند. هر آئین‌نامه‌ای را که ابلاغ کردند، دقیقاً اجزاء کند. و بر معتقد است هر کار و شغلی که طراحی شد دقیقاً همان باید انجام شود، ولی شاغل روی شغل اثر می‌گذارد، چون انسان است.

اگر از سازمان کاملاً مکانیکی فاصله گرفته و به سمت یک سازمان ارگانیک و سازمان زنده حرکت کنیم، سازمان هم هویتی نهادی پیدا می‌کند. مثلاً جهادسازندگی، دارای هویتی است که هویت این نهاد بر هویت جهادگری که در آن مشغول فعالیت است، منطبق است. در حقیقت نهاد مانند آئینه‌ای است که اگر خرد شود، هر تکه از آن، باز همان آئینه است. تک تک اعضای نهاد، ویژگی‌های نهاد را دارند؛ در صورتی که سازمان اصلاً اینگونه نیست.

راهبرد یاس
یعنی می‌توان گفت نهاد، زنده است و فرهنگی که بر اجزاء نهاد حاکم است، بر کل نهاد هم تطبیق می‌کند.

دکتر ناظمی: هدفی که نهاد دارد، همان هدفی است که اعضای نهاد دارند. هدف هر دو یکی است.
مهندس نبوی: می‌توان گفت از نهاد نه تنها بسیج و جهاد سازندگی و کمیته امداد، بلکه مسجد، وقف و هم بدست می‌آید. در اقتصاد بیشتر تمایل دارند که نهاد را به مقررات

نهادینه‌شده، معنی کنند و ضرورتی ندارد که تعاریف نهاد را فقط در چارچوب‌های مدیریتی محدود کنیم. مطالب مورد توجه آقای دکتر نگاهداری یادآور این نکته است که شکاف سنت و مدرنیته را می‌توان معادل شکاف نهاد و سازمان دانست.

دکتر نگاهداری: هر نهادی همراه خودش، فرهنگی دارد. مسجد فرهنگ نماز را دارد، نهاد وقف، فرهنگ خاص خود را دارد؛ لذا لازم است که عنصر فرهنگ هم به اجزاء نهاد اضافه شود. جاری بودن یک فرهنگ در بین اعضای نهاد منافاتی با این ندارد که چنین فرهنگی در بین اجزاء نهاد هم دیده شود.

راجر یاس
درست است و باید هم این طور باشد. مقرراتی که در یک نهاد وجود دارد، از بیرون نهاد نیست و برای اعضای نهاد هم فطری محسوب می‌شود و برخاسته از اعتقاد، فرهنگ، سنت‌ها و آداب اعضاء است. با تعریف ارائه شده از نهاد که دارای عناصر نیاز، ساختار و کارکرد و فرهنگ است می‌توان به نگاه اسلامی ایرانی و نگاه غربی در مورد نهاد و تأثیر آن بر توسعه پرداخت و بعد از شرایط داخلی کشور، آسیب‌شناسی داشته باشیم. در جنگ بین نهاد و سازمان‌های وارداتی، در مواردی ما پیروز بوده‌ایم و در جاهایی هم فرهنگ سازمانی وارداتی غلبه کرده است.

دکتر نگاهداری: جسارت در تعریف نهاد لازم است، شاید عنصر فرهنگ برای غربی‌ها ارزش ذاتی و جوهری نداشته و فقط دارای ارزش ابزاری بوده است که در تعریف نیاورده‌اند.
دکتر ایروانی: به این نکته توجه داشته باشیم که وقتی صحبت از سازمان است، بیشتر یک ساختار به ذهن متبادر می‌شود ولی وقتی به نهاد اشاره می‌شود، بیشتر وجه کارکردی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. وقتی به جهاد سازندگی اشاره می‌شود، بیشتر نتایج فعالیت‌ها و روش‌های آن به ذهن می‌رسد.

مهندس نبوی: ولی نهاد وقف، متوقف بر سازمان اوقاف نیست. تا کنون در موضوع چیستی نهاد و تفاوت نهاد با سازمان بحث مبسوطی شد. در تعریف ارائه شده از جناب آقای دکتر ایروانی به ارکان نیاز، کارکرد و ساخت اشاره شد. به این توافق هم رسیده‌ایم که «فرهنگ» نیز باید به این ارکان اضافه شود، چرا که هر نهادی ریشه در یک فرهنگ دارد. به تفاوت نهاد و نهاد هم اشاره شد که شرح بیشتری در این مورد خواهند داشت. در ضمن بحث به دیدگاه غربی‌ها هم

در مورد رابطه نهادها و توسعه پرداختیم ولی دیدگاه اسلامی- ایرانی را بیشتر باید باز کنیم. یک آسیب‌شناسی هم باید داشته باشیم که آیا نهادهای موجود در جهت توسعه هستند و کدام یک پیش‌برنده توسعه و کدام یک بازدارنده هستند؟

دکتر ایروانی: در کتاب درآمدی بر نظریه نهادی، با توجه به تعابیر مختلف موجود در مورد نهاد، جدولی را از منابع مختلف استخراج کرده‌ام که معنای لغوی و حوزه کاربرد لغت، تلفظ آن، برداشت به اعتبار ماهیت، حوزه علمی هر یک، نوع نهاد (اولیه و ثانویه بودن) و مفهوم آن ذکر شده است. به این ترتیب معانی سرشت، خلقت، طینت، فطرت، طبیعت، مسند، و آه از نهاد برآوردن ذکر شده است. حوزه کاربرد تمام این موارد، درونی است. تلفظ تمام این موارد هم با کسره (نهاد) است. در حوزه علمی هم، روان‌شناسی و سرشت، خلقت، طینت و طبیعت ذکر شده است. بخشی از این لغت‌شناسی هم مربوط به زبان‌شناسی است که مسند و مسندالیه داریم که تجلی آن در هویت فردی است.

در پرداختن به رسم و آئین و شیوه و قاعده، حوزه کاربرد لغت که درونی و فردی است، بیرونی و کاربردی می‌شود؛ تلفظ آن با فتحه شده (نهاد) و برداشت کارکردی از آن خواهیم داشت. حوزه علمی و مفهوم آن، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی خواهد بود. نوع نهاد بیشتر شبیه نهادهای اولیه خواهد بود. مفهوم نهاد در این نگاه، تحلیلی بوده و یک نهاد عملی است؛ به این مفهوم که آگاهانه و هنجاری نیست؛ مانند یک مؤسسه که آگاهانه و هنجاری نظیر دانشگاه تهران تأسیس می‌گردد.

راجد یاس با این تعبیر، چنین نهادهایی در ناخودآگاه جای گرفته‌اند و خودآگاهانه نیست.

دکتر ایروانی: بله ولی در سطح فردی مطرح نیست، در سطح جامعه است چون اسلام به جامعه باز می‌گردد. سومین دسته، مربوط به ساخت است. ساختار، استمرار، بنیاد و مؤسسه حوزه کاربرد این موارد، بیرونی هستند، و تلفظ آن نهاد است. برداشت به اعتبار ماهیت آن ساختی است، نه کارکردی، چون مؤسسه است و با بنیان‌گذاری ارتباط دارد. حوزه علمی این دسته هم اقتصاد، حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی و سازمان مدیریت است؛ جزء نهادهای ثانویه قلمداد می‌شوند و ماهیت واقعی دارند و نهاد هنجاری و آگاهانه هستند. در زمینه انواع تعاریف مربوطه، می‌توان

چنین جدولی را در نظر داشت:

مفهوم	نوع نهاد	حوزه علمی ^۲	برداشت به اعتبار ماهیت	تلفظ	حوزه کاربرد لغت	معنی لغوی ^۱
		روان‌شناسی ID	-	نهاد	درونی	سرشت، خلقت
				نهاد	درونی	طینت، فطرت
				نهاد	درونی	طبیعت
		زبان‌شناسی		نهاد	درونی	مسند
		زبان‌شناسی		نهاد	درونی	آه از نهاد برآوردن
تحلیلی. نهاد عملی	نهادهای اولیه	مردم‌شناسی جامعه‌شناسی	کارکردی	نهاد	بیرونی	رسم، آیین، شیوه، قاعده
واقعی. نهاد هنجاری یا آگاهانه	نهادهای ثانویه	اقتصاد، حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی، سازمان و مدیریت	ساختی	نهاد	بیرونی	ساخت، استمرار، بنیاد، مؤسسه

همانطور که ذکر شد مهمترین عنصر وجود آمدن نهاد و الزام آن، پاسخ به نیاز است و یک ماهیت کارکردی و یک وجه ساختی دارد. وقتی به نهادی مانند جهادسازندگی اشاره می‌شود، هم کارکرد در آن هست و هم ساخت. جهادسازندگی، ساختار غیر متمرکز و مشخصی دارد ولی یک کارکرد جهادی هم در درونش شکل گرفته است که ارزش‌ها، صفات و اخلاقی را متجلی می‌کند.

مهندس نبوی: شاید برای دقیق‌تر کردن این طرح، لازم باشد که پاسخ به نیاز را بعد از کارکرد و ساخت در نظر بگیریم. البته جای فرهنگ را هم باید در آن مشخص کرد. پاسخ نیاز، دارای خاستگاه و زمینه فرهنگی است و نیازها، بستگی به زمینه فرهنگی دارد.

خانواده یک ساخت مانند پدر و مادر و فرزند دارد و کارکردی هم دارد.

دکتر نگاهداری: ذکر شد که مقوله فرهنگ به عنوان یکی از ارکان نهاد نیاز است که در نوع

۱ - Terminology

۲ - Concept

نگاهی که به مقوله فرهنگ داریم، متفاوت از نگاهی است که غربی‌ها به این مقوله دارند و ما حوزه فرهنگ را حوزه پیشرو برای سایر حوزه‌های نظام اجتماعی می‌دانیم و قائل به مدیریت راهبردی فرهنگ محور هستیم، پیشنهاد شد که فرهنگ به عنوان یکی از اجزاء اصلی هر نهاد اضافه شود، حتی اشاره شد که فرهنگ سازمانی هم در غرب مطرح است و آنها هم به فرهنگ اهمیت می‌دهند. معتقدم که این نوع نگاه برای اضافه شدن فرهنگ به ارکان نهاد، نگاهی از جنس نگاه غایبی است. فرهنگ سازمانی مطرح در غرب، بیشتر جنبه ابزاری دارد و در راستای دستیابی به اهداف آن نهاد است. تلاش می‌شود یک فرهنگ به نوعی سازماندهی شود که در دستیابی آن مجموعه و سازمان به اهداف خودش، بتواند کمک کننده باشد و فرهنگ سازمانی، بیشتر نگاه ابزاری دارد، ولی فرهنگی مدنظر ما از جنس دیگری است. مثلاً نهاد جهادسازندگی، فرهنگی را هم با عنوان فرهنگ جهادی با خود حمل می‌کند که در تغییر فضای فرهنگی مناطقی که جهاد حضور داشته است، تأثیر بسزایی داشته است.

به نظر من، نهادهای انقلاب اسلامی هم غیر از کارکردی که در رفع یک نیاز دارند، به نوعی متفاوت از نهادهای یک کشور غربی، بایستی حاصل یک فرهنگ هم باشند که جزء ارکان آن نهاد تلقی می‌شود. اضافه کردن بحث فرهنگ به نهاد را مورد تأکید قرار می‌دهم و محدود شدن فرهنگ در حوزه نیاز، رویکرد مناسبی نیست و موضوع را پوشش نمی‌دهد. فرهنگ به عنوان یک رکن، دارای اهمیت جداگانه‌ای برای نهادها در حکومتی است که مدعی مدیریت راهبردی فرهنگ محور و مهندسی فرهنگی همه حوزه‌های اجتماعی است؛ لذا اضافه شدن فرهنگ به ارکان نهاد را ضروری می‌دانم.

دکتر ایروانی: مهمترین ویژگی تئوری نهادی، در سلسله تئوری‌های مدیریتی، با توجه به طبقه‌بندی ریچارد اسکات است. تئوری‌ها در سطوح تحلیل فردی، ساختاری و اکولوژی (محیطی) می‌باشند و از طرفی جزء تئوری‌های سیستم‌های باز و بسته قرار می‌گیرند که هر یک در عین حال می‌توانند عقلانی^۱ و غیرعقلانی یا طبیعی باشند. به لحاظ سیر تاریخی از سال ۱۹۰۰ میلادی تا زمان حال، روند تئوری‌های مدیریتی از سطح تحلیل فردی به سطح تحلیل ساختار و سپس محیطی انتقال یافت، ولی تئوری‌های متأخر به تعامل با محیط می‌پردازد که تئوری

۱ - عقلانی از ترجمه راسیونالیسم گرفته شده که به نظر اینجانب واژه معادل برای مفهوم راسیونالیزم در ادبیات غربی، در ادبیات ما فرصت طلبانه است. آشفنگی در ترجمه واژه‌ها معطوف به مبانی متفاوت فلسفی است.

اکولوژی جمعیت، تئوری وابستگی منابع، تئوری مارکسیسم، تئوری نهادی، تئوری فرامدرنیسم از آن جمله هستند. در این نظریه‌های تعامل با محیط، شاخص‌ترین تئوری که تعامل جدی با محیط را مطرح می‌کند، متعلق به تئوری نهادی است که از بعد ارزش‌های حاکم بر محیط، بسیار قابل ملاحظه است.

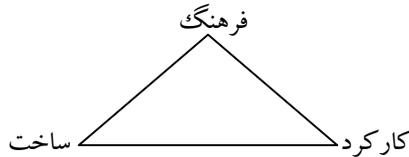
اینکه در یک جامعه، ارزش‌های حاکم بر محیط، چه ارزش‌هایی است، می‌تواند متفاوت باشد. در دیدگاه‌های غربی، هنگامی که پای دین به میان می‌آید، آن را نه از منظر یک جهان‌بینی بلکه از منظر کارگزاران و فاعلین دینی که جادوگر و کشیش و اهل معبد هستند نگاه کرده که کارکرد محدودی برای سطح فردی افراد دارند. ولی در جهان‌بینی اسلامی و مکتب اهل بیت (ع) که خاستگاه جامعه ما است، ابعاد فراگیری در تمامی شئون فردی و اجتماعی و فرهنگی دارد. بطور مثال وقتی فردی بنام رشیدی مطلق در زمان طاغوت مقاله‌ای می‌نویسد و به یک مرجع دینی یعنی امام خمینی (ره) توهین می‌کند، همه چیز برخلاف انتظار به هم می‌خورد، چون ارزش‌های حاکم بر جامعه، چیز دیگری است. نهادگرایان معتقدند نهادها باید با مقوله فرهنگی و ارزش‌ها، تعامل مثبت نموده؛ و نهادها در رابطه با ارزش‌ها و محیط بایستی انطباق‌پذیر باشند.

چند تئوری که مورد اشاره قرار گرفت، به تعامل با محیط اعتقاد دارند و سطح آنها، خود سازمان نیست؛ یعنی بقای سازمان را در داخل خود سازمان جستجو نمی‌کند، بلکه عنصر پایداری را در تعامل با محیط معنی می‌کند. ایجاد نهاد، به نیاز برمی‌گردد که این نیاز، صرفاً نیاز سازمانی افراد نیست، بلکه به محیط باز می‌گردد. به عنوان مثال در ایران بعد از انقلاب، نیازی پیش می‌آید و برخاسته از این نیاز ممکن است نهادی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی بوجود بیاید، یا در حوزه امنیت شهرها، کمیته‌ها تشکیل شوند، خود فرهنگ هم به نیازی بر می‌گردد که ریشه در ارزش‌ها دارد.

اگر نهادی تشکیل شود که برخاسته از چنین نیازی نباشد، موفق نخواهد بود؛ مانند سازمان‌ها و وزارتخانه‌های متعددی که در زمان رژیم پهلوی ایجاد شدند ولی ناموفق بودند.

مهندس نبوی: شاید بتوان اینطور جمع‌بندی کرد که تعامل با محیط در حقیقت همان در نظر گرفتن فرهنگ است. چون معنای دیگر فرهنگ، زمینه است. در هر جامعه فرهنگ، زمینه و بستر است و نیازها هم از بستر فرهنگی حاصل می‌شود. مثلاً بستر فرهنگی انتظار و شهادت داریم. اگر نهاد را در درون یک مثلث قرار دهیم و در قاعده آن، کارکرد و ساخت را در نظر بگیریم، فرهنگ در رأس قرار گرفته و فرهنگ می‌تواند تعامل بقیه موارد با یکدیگر را هم نشان بدهد.

فرهنگ، دقیقاً بستر و زمینه زنده‌ای است که در هر جامعه وجود دارد.



دکتر نگاهداری: در نهادی مانند جهادسازندگی، نیاز این بوده است که در روستاهای ما، آبادانی رخ بدهد. آیا نقش جهادسازندگی در نهایت به این محدود شد که آبادانی در روستاها انجام شود یا نوع تعامل و رویکردی که جهادگران برخاسته از انقلاب اسلامی، فرهنگی را با خود حمل کردند، این کار غیر از رفع نیاز آبادانی روستاها، تأثیرگذاری‌های مضاعف فرهنگی هم علاوه بر آنها ایجاد کرد. در مورد نهاد دفاع مقدس هم می‌توان پرسید، آیا جنگ، شبیه جنگ‌هایی است که در دیگر کشورها رخ می‌دهد و هیچ ایدئولوژی و عقیده‌ای پشت سر خود ندارد؟ چرا در دفاع مقدس، بیشتر از بحث جنگ، فرهنگ دفاع مقدس مطرح می‌شود؟ برداشت ما این است که روح حاکم بر دفاع مقدس یک وجه قابل توجه فرهنگی داشته است. هدف دفاع مقدس، پاسخ به یک نیاز به نام دفاع بوده است. آیا دفاع مقدس فقط به دفاع محدود شد؟ توجه به این نکات جهت تکمیل بحث لازم است و نقدی بر نظر دوستان وارد نیست.

دکتر ایروانی: ارزشمداری، مردم‌گرایی و پویایی و انعطاف و نوآوری و... از ویژگی‌های نهاد است که آنرا از سازمان‌ها متمایز می‌کند و نهاد، اگرچه برخاسته از یک نیاز است و به نظر اینجانب رسالت ثانوی نهاد در بالندگی‌اش این است که نقش مثبت در زنگارزدایی از ضدارزش‌ها داشته باشد؛ یعنی خودش عامل باز دارنده‌ای از برخی عادات غلط محیطی باشد و از ضد ارزش‌ها جلوگیری نماید. ولی بن مایه اصلی نهاد، حفظ ارزش‌های محیطی جامعه است.

دکتر خوش‌چهره: نتیجه اولیه‌ای که می‌توان بدست آورد اینکه نهاد، در آینده فرهنگ‌ساز خواهد بود.

هم فرهنگ ساز است و هم متأثر از فرهنگ. راجد یاس

دکتر ایروانی: در مطالعه میدانی در مورد جهادسازندگی، نتایج نشان می‌داد با درصد بسیار

بالایی حکم حضرت امام(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری باعث شد که جهادگران در جهادسازندگی حضور پیدا کنند، نه کسب امکانات و مزایای مادی. ولایت‌پذیری، در چنین شرایطی، مهمترین علت شکل‌گیری و موفقیت جهادسازندگی بود. بوجود آمدن جهادسازندگی، مرهون انشاء حضرت امام(ره) بود و ایشان اطلاع دقیقی از ارزش‌های حاکم و نیازها داشتند که چنین نهادی را ایجاد کردند.

دکتر خوش‌چهره: اگر زمینه‌های فرهنگی و درک ارزشی از چنین کاری وجود نداشت، جهادسازندگی شکل نمی‌گرفت. شکل‌گیری چنین نهادی به یک جهان‌بینی، نگاه ارزشی و فرهنگ اسلامی که شرایط شکوفایی برایش مهیا شده بود، برمی‌گردد. زمینه‌های فرهنگی در ارزش خدمت‌رسانی به محرومین نیز بسیار تأثیرگذار بوده است، ولی میزان تأثیر هر یک از عوامل متفاوت است.

به عنوان مثال شکل گرفتن نهادهای پولی و مالی در غرب، زمینه‌ساز رشد و تحول اقتصادی بود. تحول اقتصادی با روش‌های سنتی نمی‌توانست شکل بگیرد. شکل‌گیری چنین نهادهایی، یک انضباط مالی هم ایجاد کرد و نوعی فرهنگ‌سازی هم به دنبال داشت.

دکتر ایروانی: بحث دیگر در مورد نهاد، انواع تعاریف نهاد است. کامل‌ترین تعریف در این مورد از آقای پروفسور میرزایی است که بیان می‌کند، «نهادگرایی عبارت است از انتخاب و القاء اصول و موازین و ارزش‌های حاکم محیطی و بوجود آوردن ساختار متناسب آن‌ها، یا گسترش ساختارهای درون سازمانی بر مبنای آن ارزش‌ها برای تداوم و رشد و رسیدن به اهداف عالی‌تر سازمان».

مهندس نبوی: قسمت آخر تعریف کارکرد نهادگرایی را نشان داده و در مجموع رابطه نهاد با توسعه را هم نشان می‌دهد.

دکتر ایروانی: بله و با همین شیوه باید ارزش‌های حاکم محیطی را در نظر بگیریم. به عنوان مثال برنامه توسعه را داریم و قانونی هم برای آن می‌نویسیم. هنگام نوشتن قانون ممکن است از برخی ارزش‌های محیطی غفلت کنیم و در هنگام اجراء، مشکلات مضاعف پیش خواهد آمد. هر مدیری که مسئول اجراء قانون می‌شود، کار را با سبک خاص خودش و فارغ از ارزش‌های محیطی انجام می‌دهد و عاقبت هم معلوم نمی‌شود که چرا قانون به خوبی اجراء نشده است. در موارد مختلفی مانند مالیات‌ها، کسب و کار و بازرگانی و فرهنگ و ... دارای هیچ سبک و

چارچوب مفهومی نیستیم، مگر در مواردی که مدیران توانمند و جامع‌نگر در گوشه‌ای هستند که قوی عمل می‌کنند و به ارزش‌ها هم توجه دارند. پیشرفت ما در امر توسعه معلول همت عالی و توان فردی افراد مختلفی بوده است که موفق عمل کرده‌اند و عدم موفقیت‌ها هم معلول کوتاهی‌های دیگران است؛ زیرا که فاقد سبک مشخصی برای نهادی کردن برنامه‌ها هستیم و لذا می‌گوئیم در مجموع موفقیت‌هایی بدست آمده است.

در ساختارهای ائتلافی نهادی، می‌توان مثلی نهادی را در نظر گرفت که نهاد سیاست‌گذار و صاحبان صنعت و مصرف‌کنندگان محصول در آن حضور داشته و در چنین قالبی، چارچوبی داشته باشیم که جریان سرمایه‌گذاری و تولید را با هم‌اندیشی شکل بدهند. یعنی به نظر من مدیریت توسعه تک‌بعدی نیست که مسئولین اجرائی از طریق نظام سلسله‌مراتبی بتوانند اجرا نمایند؛ بلکه عجالتاً در قالب این ساختارهای موجود با تأسیس انبوهی از نهادهای ائتلافی در حوزه محصولات و خدمات گوناگون بتوان برنامه‌ها را تبدیل به عمل نمود و به نتیجه رساند. برای آینده می‌توان با نهادسازی‌های دائمی برای بخش‌های مختلف، شاهد ویژگی‌های نهادی در نهادهای جدید تأسیسی به جای ساختارهای وبری بجا مانده از گذشته بود.

دکتر خوش چهره: پیام اصلی صحبت آقای دکتر ایروانی، فقدان نهاد است.

دکتر ایروانی: دقیقاً، به نظر من در همین شرایط موجود هم چنین کاری قابل اجراء است. تجربه موفق هم که قابل ذکر است و بنده هم در آن حضور داشته‌ام، تشکیل نهاد شورای لبنیات کشور است که این نهاد اگر چه مصوبه‌ای از شورای اقتصاد یا مجلس شورای اسلامی نداشت، ولی موفق عمل کرد. تمام بخش‌های دولتی سیاست‌گذار، وزارت بازرگانی، برنامه و بودجه، وزارت صنایع، و صنایع روستایی جهادسازندگی، بخش حمایت از مصرف‌کننده وزارت بازرگانی (که از حقوق مردم دفاع می‌کند) و کلیه اتحادیه‌های زنجیره تولید از کشت علوفه تا کارخانجات لبنی و صنایع تبدیلی و پائین‌دستی تکمیلی لبنی، در این شورا عضو بودند. نتیجه این شد که جمعیت ۷۰ میلیون نفر ایرانی از نظر لبنیات خود کفا شد.

دکتر ناظمی: بعد از تبیین مفهوم نهاد، باید مصادیقی از نهادها را تصور کرد و بررسی کنیم که آیا این مصادیق در عالم عین در کشور وجود دارند یا نه؟ اگر مجموعه نهادهای لازم وجود ندارند، باید نهادسازی بکنیم تا به اهداف توسعه برسیم. اگر بحث چنین چارچوبی را پیدا کند، ضرورت و اهمیت نهادسازی برای تحقق اهداف توسعه روشن شده و نقشه راه بدست خواهد

آمد.

نکته دوم این است که اهداف توسعه را باید مبتنی بر فرهنگ توسعه تعریف کرد. یکی از نکات دقیق این است که هدف ما در توسعه و مدیریت راهبردی کشور چیست؟ آیا ما هم به دنبال همان هدفی هستیم که دیگر کشورها تعریف کرده‌اند؟ یا ماهیتاً هدف توسعه در کشور ما با هدف توسعه در سایر کشورها متفاوت است؟

راهبرد **آیا یک هدف مدنظر است یا اهداف؟**

دکتر ناظمی: اهداف، سلسله مراتب دارند. یک هدف غایی وجود دارد که در بالای هرم اهداف و در نوک قله است. در سطوح پایین تر و در سلسله مراتب، اهداف واسط در سطوح مختلف قرار می‌گیرند. بدین ترتیب نقشه اهداف، ترسیم می‌شود. چشم‌انداز را نقشه هدف‌غایی می‌دانیم این هدف‌ها در هر یک از سطوح باید با یکدیگر نسبت‌هایی مشخص داشته باشند. نظام یک هدف غایی دارد که در ابتدا باید برای آن شاخص تعیین کرد. برای رسیدن به این هدف، نقشه راهی نیاز است. این نقشه راه، عبارت است از مجموعه نهادهایی که دارای ساختار و کارکردهای مشخصی باشند. نقشه راه، چگونگی رسیدن به هدف را مشخص می‌کند. بنابراین الگوی توسعه ایرانی اسلامی، نقشه راهی است که مجموعه‌ای از نهادهای لازم در آن حضور دارند که بنا است بستر و ابزاری باشند که ما را به مقصد برسانند. قاعدتاً این نهادها نسبت به یکدیگر قابل دسته‌بندی و سطح‌بندی هستند. همان‌گونه که برای مشخص کردن هدف باید مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی هدف‌گذاری کنیم. ترسیم نقشه راه را نیز باید طبق همین فرهنگ صورت پذیرد.

مثلاً برای تشکیل نهادی مانند کمیته امداد، نهاد اولیه‌ای بنام صدقه در فرهنگ اسلامی وجود داشته است که به موجب آن نهاد، کمیته امداد امام خمینی (ره) بوجود آمده است.

هدف غایی در جامعه ما، توسعه و تکامل انسان است. توسعه انسان بالاترین جایگاه را در سلسله اهداف دارد. اگر بخواهیم این هدف را تأمین کنیم یا نرخ سرمایه انسانی را در جامعه افزایش دهیم، سلسله اهدافی باید تأمین شود. امروزه در شاخص‌های توسعه انسانی به چند هزار مؤلفه اشاره می‌شود که هر کدام از این مؤلفه‌ها باید تأمین شود تا در نهایت توسعه انسانی رخ دهد.

دکتر خوش‌چهره: هدف غایی در توسعه، ارتقاء سطح رفاه مادی و بهبود عمومی سطح زندگی است و در زیرمجموعه این هدف غایی، اهداف دیگری مطرح می‌شود. ما اگرچه به این هدف اهمیت می‌دهیم ولی آن را هدف در بعد مادی و حیوانی انسان می‌دانیم و در کنار آن ارتقاء سطح معنویت مطرح است.

دکتر ناظمی: نهادها باید با توجه به فرهنگ، مهندسی شده و ساخت داده شوند. نهاد، باید الگو و مدل خاص خود را داشته باشد. مکتب‌زوی وقتی می‌خواهد مدلی را برای یک سازمان پیشنهاد کند، فرهنگ و ارزش‌ها را زیرسیستم محوری قرار می‌دهد و سازمانی انسانی را ارائه می‌دهد که همان نهاد است.

آقای دکتر ایروانی در کتاب «درآمدی بر نظریه نهادی» تعریف روشن و واضحی از جوزف وروسک در مورد نهاد ذکر کرده‌اند که: «نهادها، انگاره‌های مستقری برای رفع نیازمندی‌های متعدد انسانی هستند که مقبولیت عام پیدا می‌کنند و دارای ساخت می‌شوند». برای دارای ساخت شدن، باید مدل ارائه کرد و قاعداً باید از فرهنگ کمک گرفت. نهادها اصولاً بدون سابقه نیستند. ما نهادهایی را از صدر اسلام داشته‌ایم که باید بررسی کرد چه ساخت اولیه‌ای در آنجا داشته‌اند و امروز باید چه ساختی داشته باشند. نهادها، ارگانسیم زنده‌ای هستند ولی سازمان‌ها ارگانسیم زنده نیستند. نهاد مانند نهالی است که رشد می‌کند و بزرگ می‌شود و تبدیل به درخت شده و محصول می‌دهد. محصول نهاد، همان اهداف توسعه است.

بعد از ساخت نهاد، مدیریت نهاد مطرح است. رشد و نمو نهاد، همراه انسان است و انسان‌ها در نهادها رشد می‌کنند، نه در سازمان‌ها. امروزه تئوری‌های مدیریت به سمت مدیریت نهادی جلو می‌رود و سه دسته تئوری‌های مدیریت مطرح است. روند اول، روند دوم و روند سوم که به سمت تئوری‌های نهادی پیش می‌رود. در تئوری‌های روند اول؛ انسان تک بعدی و اقتصادی است. در تئوری‌های روند دوم، انسان‌ها دو بعدی هستند. یعنی انسانی که در ابتدا فقط اقتصادی بود، اجتماعی هم می‌شود. در تئوری‌های روند دوم، نگاه به انسان هنوز نگاهی چند بعدی و پیچیده نشده است. در روند سوم تئوری‌هایی مطرح است که انسان چند بعدی دیده می‌شود و بحث فرهنگ موضوعیت پیدا می‌کند. نگاه، نگاهی سیستمی است و مدیریت، اقتضائی است. به نظر می‌رسد لازم است تمام ساختارها و سازمان‌های موجود نظام را با تئوری نهادی یک بار دیگر تجدید نظر کرد و دنبال نهادسازی باشیم. هر کدام از سازمان‌های موجود که وارداتی و تقلیدی

هستند و با فرهنگ ما سازگاری ندارند، باید از خیر آنها گذشت.

دکتر نگاهداری: چون بحث در مورد نهادها و توسعه است، خوب است که نحوه تأثیر و تأثر این دو از یکدیگر به صورت عملیاتی‌تر تبیین و تشریح شود. هدف توسعه در اسلام، متفاوت از هدف توسعه در توسعه غربی است. مجموعه نقطه نظرانی که اندیشمندان اسلامی در سده‌های اخیر مطرح کرده‌اند، همگی هدف توسعه در اسلام را دستیابی به ارزش‌های متعالی انسان می‌دانند و هدف همه فعالیت‌هایی که برای رشد مادی هم صورت می‌گیرد، در نهایت در راستای رشد و تعالی انسان، ارزشمند خواهد بود.

اکثر نگاه‌ها در ذهن اندیشمندان اسلامی، جمع‌گرا است تا دیدگاه‌های غربی که نگاه فردگرایانه‌تر دارند. این رویکرد قطعاً ما را متفاوت از رویکرد غربی در مورد نهادها خواهد کرد. در عین حال اهمیت نهادسازی برای دستیابی به الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت را دو چندان می‌کند، چون ما معتقدیم نهاد، قالبی برای فعالیت جمعی است. وقتی نوع نگاه ما به توسعه جمع‌گرا است، نهادسازی‌های اجتماعی و جمعی هم برای ما اهمیت بیشتری در دستیابی به الگوی مطلوب خواهد داشت.

از نگاه دیگر، اندیشمندان اسلامی، رشد مادی را در پناه معنویت و آخرت، مقبول می‌دانند. یعنی محور همه اندیشه‌ورزی، اندیشمندان اسلامی در مقوله توسعه با محوریت آخرت و تعالی انسان و «سیر الی الله» او تعریف می‌شود.

این سه رویکرد عمده بایستی در نهادسازی ما تأثیر بگذارد. در منابع اسلامی، قرآن و احادیث، و در نهج‌البلاغه و حتی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی که به عنوان منبع اسلامی قابل استناد است، مجموعه اهداف توسعه را در چند حوزه می‌توان دید که متناظر با آنها نهادسازی خود را داشته باشیم تا ارزش‌ها، باز تولید شده و ترویج پیدا کنند. می‌توان ارتباط متناظری را بین مؤلفه‌ها برقرار کرده و متناسب با هر یک، یا نهادهای جدیدی ایجاد گردد (چون در تعریف نهاد هم اشاره به وجود آوردن ساختار متناسب با ارزش‌ها و موازین و یا گسترش ساختارهای درون سازمانی بر مبنای ارزش‌ها و تداوم آن شده است)، یا نهادهای موجود را در راستای تولید این ارزش‌ها و موازین باز تولید کنیم. این نهادها باید کارکرد دستیابی به توسعه و پیشرفت اسلامی-ایرانی را برای ما داشته باشند. مؤلفه‌ها و اهداف توسعه و پیشرفت بر مبنای روایات، آیات و احادیث مختلفی که در منابع اسلامی هست، هدف توسعه را در چند مقوله ذکر می‌کند. در حوزه فرهنگ اقتصادی، بحث عمران و آبادانی، فقرزدایی، تولید بیشتر و پرهیز از اسراف، به

عنوان اهداف اصلی دستیابی به توسعه در حوزه اقتصاد مطرح می‌شود. اگر بخواهیم در حوزه اقتصادی نهادسازی کنیم، مقوله فرهنگ در بحث نهاد باید ورود پیدا کند؛ چون فرهنگ حوزه پیشرو نظام اجتماعی است، و بقیه حوزه‌های نظام اجتماعی پیرو این حوزه هستند و در حقیقت از سلسله‌مراتب ارزشی بالاتری برخوردار است. در نهایت نهادهای ما باید بازتولید فرهنگی داشته باشند. اگر نهادهای غربی با مدیریت راهبردی اقتصادمحور حرکت می‌کنند و همه حوزه‌ها هزینه‌کرد اهداف اقتصادی می‌شود، همه نهادها در نظام اسلامی باید بازتولید نهایی‌شان، فرهنگ باشد چرا که ما بر رشد و اعتلای انسان تأکید می‌کنیم که هدف ما در توسعه است. همه نهادهای انقلاب اسلامی باید در راستای رشد و اعتلاء و ترویج ارزش‌هایی باشند که باعث تعالی انسان به سوی خدا می‌شود.

در حوزه فرهنگ اجتماعی، اگر بخواهیم نهادهایی طراحی کنیم که برای ما بازتولید ارزش‌های واقعی توسعه را داشته باشند، چهار محور مورد توجه است: در حوزه فرهنگ اجتماعی، فرهنگ کار و تلاش، قانون‌مداری، عدالت اجتماعی، نظم و انضباط اجتماعی، چهار مؤلفه اصلی از نگاه منابع دینی هستند.

در حوزه فرهنگ سیاسی، استقلال و عدم دخالت بیگانگان در اداره کشور به عنوان یک مؤلفه اساسی دستیابی به توسعه و پیشرفت توسط اندیشمندان اسلامی در سده‌های اخیر مطرح شده است. مردم‌سالاری دینی در حوزه حکومت و جلوگیری از استبداد به عنوان عامل درونی مورد تأکید است. شایسته‌مداری و کارآمدی و آزادی‌های مشروع به عنوان چهار مقوله در حوزه پیشرفت و توسعه سیاسی با الگوی ایرانی و اسلامی مورد تأکید واقع شده است.

در حوزه فرهنگ فرهنگی هم که چهارمین حوزه اجتماعی است، بحث ایمان و تقوی، علم‌مداری، اندیشه‌ورزی و عقل‌گرایی مطرح است. وقتی اهداف توسعه و پیشرفت را در حوزه‌های گوناگون احصاء کردیم، باید وضعیت موجود نهادها و سازمان‌ها، با اهداف توسعه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، متناظرسازی بشود. اگر ما نیاز به نهادهای جدید داشته باشیم و خلأهایی احساس شود، برای هر یک از این خلأها نهادسازی شود و اگر احساس می‌کنیم که با اصلاحات درون‌ساختاری در قالب برخی از سازمان‌های موجود می‌توان جهت و حرکت آن سازمان را به سمت بازتولید ارزش‌های محقق‌کننده تعالی انسان به سوی خدا و دستیابی به هدف اصلی توسعه با الگوی اسلامی - ایرانی است، بتوان چنین اصلاحی را ایجاد

کرد.

مهندس نبوی: براساس تعریف ارائه شده از نهاد‌گرایی، هدف نهاد پاسخ به این نیاز است که به هدف عالی‌تری دست پیدا کنیم. بر این اساس نهادهایی می‌سازیم که بر مبنای ارزش‌ها و فرهنگ است. به طور طبیعی چنین کاری نیازمند مشارکت عمومی است، در این مشارکت روابطی ایجاد می‌شود که متأثر از ارزش‌ها است. آقای دکتر ناظمی اشاره به زنده بودن و رشد این نهادها داشتند. می‌توان با نگاه آسیب‌شناسی گفت این نهادها در معرض خطر رشد سرطانی و تبدیل شدن خود نهاد به هدف اصلی هستند. یعنی بعد از مدتی در نهادی مانند جهادسازندگی هم، فقط حفظ خود سازمان هدف می‌شود و خبری از کارکردهای مفید آن نیست.

یعنی اینطور نیست که وقتی نهاد خیری تشکیل می‌شود، براساس اصل فزاینده بروکراسی، پویایی مثبت و دائم داشته باشد. این آسیب‌شناسی را به طور مرتب باید داشت. نهادها باید خاصیت جدیدی هم داشته باشند و آن اینکه پویایی و قابل تکثیر بودن خود را از دست ندهند. یعنی نگاه محلی هم باید داشت. به عنوان مثال جهادسازندگی سیستان و بلوچستان، فرهنگی محلی دارد که با فرهنگ محلی جهادسازندگی تهران متفاوت است. نباید این نهادها را تبدیل به بوروکراسی بسیار بزرگی بکنیم که خود بوروکراسی هدف شود.

یک سؤال پیش می‌آید که ما نهاد بسازیم یا وسواس داشته باشیم. ایجاد نهاد کار ساده‌ای نیست. آیا می‌توان نهادی ایجاد کرد که کارکرد وزارت آموزش و پرورش را اصلاح کند؟ به نظر می‌رسد اسلام براساس حقانیتی که دارد برای همه این موارد، نهاد دارد. مثلاً نهادی به اسم وقف داریم که صددرصد کارکرد اقتصادی دارد ولی فرهنگی هم است. حضرت علی (ع) مدام زمین‌ها را آباد کرده و آن‌ها را وقف می‌کردند. یا در مورد خانواده لازم است از آفت‌های احتمالی پاک باشد؛ یا مسجد که ساختار و کارکردهایی دارد؛ مسجد محله، مسجد شهر، مسجد جامع و بعد حج؛ که مسجد خودش محور مناسبی است برای توسعه. بعد از مسجد نوبت به حج می‌رسد که اهدافمان را بین‌المللی می‌کند. یا نهاد جهاد در اسلام مطرح است که در دوران دفاع مقدس هم شکل گرفت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان از شاخه‌های این نهاد مقدس است.

مسئله نماز جمعه هم مطرح است که اهالی یک شهر در یک مکان جمع می‌شوند. در مباحث توسعه باید نهادهای اسلامی را مورد توجه قرار دهیم. شاید لازم باشد نهادهای موجود را بر این اساس اصلاح کنیم.

دکتر ایروانی: آقای دکتر ناظمی پیشنهاد تأسیس نهادهایی را داشتند. آنچه که من از پیشنهاد تأسیس نهادها داشتم، بیشتر کارکردی است و ساخت ندارد. یعنی فرهنگ آن وجود دارد و بر همان اساس، نهادی شکل می‌گیرد. در مورد شورای لابیات که به عنوان یک نمونه موفق مورد اشاره قرار گرفت، ساخت جدی و کاملی وجود نداشت، عده‌ای از بخش خصوصی و عده‌ای از دولت حضور داشتند که کارکرد بسیار خوب و موفق داشت و تجربه شیرینی بود ولی در شکل‌گیری نهادهای جدید، نوعی نگرانی وجود دارد که ایجاد آن را بسیار مشکل می‌کند و ذهنیت کامل و صحیحی از نهاد وجود ندارد. چیزی که من پیشنهاد می‌کنم نوعی کار بین بخشی است که این بخش‌ها را مانند تسبیح به هم وصل می‌کند.

راجه یاس
وجود فرهنگ در شکل‌گیری چنین نهادهایی بسیار مهم است. مانند زمینه‌ای که با نام نماز جمعه در داخل و خارج کشور مسلمانان را دور هم جمع می‌کند.

دکتر ایروانی: بله و جمعی که ستاد برگزاری نماز جمعه را تشکیل داده‌اند، داوطلبانه و صمیمی و موفق به چنین کاری مشغولند.

دکتر خوش‌چهره: یک جریان خودجوش که متأثر از یک نیاز و ضرورت دور هم جمع شده‌اند.

دکتر ایروانی: نکته دیگر در مورد بازنگری در مورد کارکردهای نهادهایی است که در اسلام وجود داشته ولی تفکری قصد جایگزینی آن را با نهادهای دیگری داشته است. مثلاً نهاد مسجد با کارکردهای ویژه‌ای در اسلام طراحی شده و وجود داشته است ولی طراحی نهادی مانند خانه محله، در مقابل نهاد مسجد پایه‌گذاری شد که با آرمان‌های جمهوری اسلامی هم سنخیت نداشت. نهاد مسجد، یک تفکر ویژه است که جایگزینی ندارد. بایستی کارکردهای نهاد مسجد را احیاء کرد؛ نماز جماعت، تعلیمات دینی مساجد، آموزش دفاعی، امر به معروف و نهی از منکر و ... برخی از کارکردهای مساجد هستند.

سؤالی هم در این زمینه مطرح است که چه رازی وجود دارد که وقتی پای مذهب به میان می‌آید، به شدت اجتماع‌گرا هستیم؛ در عزاداری‌ها، در ایام تاسوعا و عاشورا، در عید فطر، در مناسبت‌های ماه مبارک رمضان، در نمازها و در دفاع مقدس همه یکدست می‌شوند.

حضرتعالی جوهره چنین مشارکت و جمع‌گرایی را در چه چیز می‌بینید؟

دکتر ایروانی: روحیه مشارکت‌جویانه در ذات اسلام وجود دارد که رابطه امت و امام نیز در اوج آن است یعنی یک رابطه کاملاً مستقیم و غیربوروکراتیک. اما در ایران این جوهره مشارکت‌جو که در مسایل مذهبی وجود دارد، در عرصه‌های اقتصادی و کسب و کار در سطح فرد و سازمان به حداقل کاهش می‌یابد و افراد در کارهای اقتصادی با یکدیگر همکاری نمی‌کنند و به سختی دور هم جمع می‌شوند. منافع فردی و بنگاهی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و این حالت قابل تأمل است که انسان‌هایی که در آن حوزه دینی یکپارچه هستند، چگونه در زمینه اقتصادی فردگرا می‌شوند.

مهندس نبوی: آخرین آیه سوره آل‌عمران می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**

علامه طباطبایی در ذیل این آیه تمام اجتماعیات اسلام را ذکر کرده است. «رابطوا»، یک دستور است که در روایت می‌فرماید: رابطوا فی طریق الامامة؛ یعنی برای اینکه نهادها باهم تصادم پیدا نکنند، باید حول محور امامت شکل بگیرند. امامت، جانشینی خدا در زمین است و ارتباطات اجتماعی را رنگ‌خدایی می‌بخشد.

دکتر خوش‌چهره: در همین زمینه می‌توان به آیه تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان اشاره کرد. در بر و خیر و نیکی، زمینه همگرایی زیاد است و کافی است این مسأله جایفتد که کاری، خیر و نیکی است و جوهره اصلی مشارکت هم بر و تقوی است.

مهندس نبوی: اگر هدف‌گذاری هم با توجه به تعاونوا علی البر و التقوی شد، کسی حسادت نخواهد کرد.

دکتر ایروانی: جامعه ما این ظرفیت را دارد که در سمت این اهداف عالی حرکت کند، آن وقت پیشرفت‌های عظیم و جهشی صورت می‌پذیرد.

دکتر خوش‌چهره: مشارکت مردم در مسائل مذهبی و عدم مشارکت در مسائل اقتصادی، ریشه در باور و اعتماد دارد.

مهندس نبوی: ما با سیستم بوروکراسی این مشکل را هم داریم که بر اساس بر و تقوی درست نشده است و براساس خرج کردن پول نفت، درست شده است. هر دولتی سیستمی را برای حفظ

و نگاه داشتن خود درست کرده است، در حالی که خود همین مطلب او را نابود کرده است. ما یک نظام گسترده آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و ... داریم که باید بررسی کرد اینها را با توجه به نهادهایی که اسلام دارد، چگونه می‌توان اصلاح و کارآمد کرد؟ به نظر می‌رسد این کار نیاز به برنامه و نقشه راه دارد.

دکتر خوش‌چهره: تجربه اول انقلاب در این زمینه مناسب است. حضرت امام(ره) تأکید زیادی روی تربیت و تهذیب نفس داشتند که انضباط رفتاری و مسئولیت ایجاد می‌کند. فرمایش امام این بود که اگر علم به قلب مزگی و تزکیه شده‌ای داخل شود، عطرش عالم را می‌گیرد و اگر قلب تربیت شده نباشد، تعفنش عالم را می‌گیرد. «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه». ما نهادهای خوبی در اسلام داریم ولی در زمینه تربیت دقت نمی‌کنیم.

در این فضا، مسئولیت تربیت با روحانیت است. تا زمانی که چنین تربیت‌هایی انجام نشده است و خلأ تربیتی موجود، پر نشده است، دستیابی به اهدافی مانند الهام‌بخش بودن مشکل به نظر می‌رسد. برخورداری از ادبیات روز، آشنایی با چالش‌های جامعه، و تربیت جامعه و ... کارهایی است که هنوز انجام نشده است.

مهندس نبوی: بسیاری از نهادهای موجود خودشان مانع توسعه هستند. دانشگاه‌ها، دانشجویان را ضد ولایت فقیه تربیت می‌کنند. وقتی که نهادهای موجود ضد توسعه هستند، چگونه می‌توان آنها را در جهت توسعه اسلامی ایرانی قرار داد؟

دکتر ایروانی: دو مدل در این مورد وجود دارد. ۱- آیا نهادهایی که در اسلام داریم، می‌توانیم احیاء کرده و کارکردهای آنها بازگردانیم؟ نهادگرایی، طبیعت فرا ظاهر دارد و بیشتر به ناپیداها کار دارد. به آن بخشی از کوه یخ که در زیر آب است، کار دارد، یعنی دنبال ریشه‌های اسلام و فرهنگ ایرانی است؟ نگاه ریشه‌ای این است که کارکردهای این‌ها چه بوده است؟ و متناسب با آن ریشه‌ها مبانی فلسفی نهادسازی شود. ۲- با ساختارهای موجود هم مواجهیم. آیا در همین ساختارها می‌توانیم باز مهندسی کنیم؟ و کارکردی نهادی را در آن القاء کنیم؟ اگر چنین کاری را بتوانیم انجام دهیم، مناسب است.

بنابراین با توجه به اینکه ساختارهای اداری موجود، وارداتی است و متناسب با مبانی فلسفی و تعریف از انسان در غرب طراحی شده است، پس بایستی متناسب با مبانی فکری فلسفی و تعریف اسلام بر طریق مکتب اهل بیت(ع) و فرهنگ ایرانی نسبت به تأسیس نهادها و ساختارهای

متناسب با مبانی اقدام نمود. به نظر اینجانب این یک الزام برای طراحی و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و راه‌گزینی از آن نداریم و تداوم وضع موجود نه دردی را درمان می‌کند و نه هنری دارد؛ بلکه وضع را بدتر می‌کند. در رابطه با سؤال دوم که با ساختارهای موجود چه می‌تواند کرد؟ جواب این است که با نگرش فراطاهر نهادی و کالبدشکافی وضع موجود یک بازمهندسی در برخی ساختارهایی که ظرفیت القاء و توسعه کارکردهای نهادی در آنها وجود دارد، اقدام نمود.

تحولات شتابان و سریع محیطی اهمیت نگرش نهادی را فراوان نموده است و آغاز هزاره سوم با پارادایم نهادی در مدیریت همراه است و بایستی چارچوب مفهومی و راهبرد مدیریت نهادی حاکم بر اصول و رفتارهای مدیریتی قرار گیرد تا ارزش‌ها، فرهنگ، مشارکت افراد، بنگاه‌ها و سازمان‌ها را زیر یک سقف گرد آورده و اکسیر جامعیت و همه‌سونگری را که ضامن موفقیت است، فراهم سازد.

برای هر دو سؤال که مطرح کردم تجربیات موفق در انقلاب اسلامی وجود دارد، در مورد تأسیس نهادها، نهاد ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، جهادسازندگی، سپاه پاسداران، بسیج، نماز جمعه و در مورد ایجاد کارکردهای نهادی در سیستم به ارث رسیده اداری، نظیر جهادهای خودکفایی، خودکفایی در لابی‌ها با تأسیس شورای لابی‌ها کشور، واگذاری مالیات‌ها از طریق کمیسیون‌های صنفی در اتحادیه‌های مربوطه با حفظ امور حاکمیتی، که این موارد جایگزین‌های مناسب برای رویکردهای اداری سنتی کشمکش‌گرا و نیز بیگانه با مردم، ارزیابی می‌شود.

راهبرد باید راهبردی برای اصلاح وضع موجود هم داشته باشیم.

دکتر نگاهداری: اگر برای دستیابی به نهادهای مطلوب، دو رویکرد وجود دارد: ۱- به سمت نهادهای برویم و ۲- به سمت اصلاحات ساختاری در نهادها حرکت کنیم؛ با توجه به وضعیت کشور ما و شرایطی که داریم، به نظر من رویکرد دوم، رویکرد معقول‌تری است. اصلاحات ساختاری در نهادها، اولویت بیشتر نسبت به نهادهای دارد. اما در بحث اینکه نهادی را بازمهندسی کنیم و با حفظ آن به شرایطی دست پیدا کنیم که ارزش‌های مورد نظر در آن نهاد

بازتولید شود، به نظر من راهکار آن این است که مأموریت‌ها و شرح وظایف سازمان‌های کشور، تحلیل محتوی شده و در راستای اهدافی که بازتولید می‌کنند، بررسی شود که آیا به سمت تحقق این ارزش‌های مطلوب برای دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و توسعه هست یا نیست؟ و براساس این تحلیل محتوی، اصلاحاتی در شرح وظایف و مأموریت‌های آن سازمان‌ها داده شود و در قوانین و مقرراتی که بر آن نهاد و سازمان حاکم است، بازنگری صورت بگیرد.

راهبردی یاس
 البته توجه داشته باشیم که مقاومت در مقابل این کار خیلی شدید خواهد بود. یعنی اگر قانون یک وزارتخانه را هم اصلاح کنید، بدنه مقاومت شدید می‌کند. اگر نظام تعلیم و تربیت ما درست شود، انسان‌هایی تربیت می‌شوند که تحول آفرین خواهند بود.

دکتر نگاهداری: اگر اصول حاکمی را در بازمهندسی خود داشته باشیم، تا حد زیادی می‌توانیم مقاومت‌ها را کاهش دهیم. ما سه بردار به نام‌های اهداف دینی توسعه، مؤلفه مصالح جمعی و بردار منافع فردی داریم و اگر طوری مهندسی کنیم که زاویه این سه بردار، کمترین زاویه و بیشترین همسویی را داشته باشند، این بازمهندسی با کمترین مقاومت مواجه خواهد شد. هر قدر زاویه این سه بردار با هم بیشتر شود، مقاومت بیشتری خواهیم داشت.

راهبردی یاس
 با تشکر از حضور اساتید محترم در این میزگرد و با آرزوی موفقیت روزافزون نظام اسلامی، میزگرد را به پایان می‌بریم.